



در رشته حسابداری از تحلیل عاملی با کمک از داده های فازی استفاده گردیده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها نشان می دهد که بین دیدگاه ها طیف جامعه آماری نسبت به پنج مولفه تحقیق، تفاوت معنی داری وجود دارد و نتایج حاصل از تحلیل عاملی داده ها بیانگر این است که اساتید دانشگاه گرایش حسابداری مالی، دانشجویان دکتری گرایش حسابداری مدیریت و شاغلین در حرفه گرایش حسابداری را اولین اولویت در راستای تأمین نیازهای جامعه مالی ایران دانسته و در مورد موضوعات جدید حسابداری، اساتید دانشگاه و دانشجویان دکتری درس حسابداری مدیریت پیشرفته را اولویت اول قرار داده، اما مدیران شاغل در حرفه درس تهیه گزارش های مالی و یادداشت های توضیحی را اولین اولویت دانسته اند.

واژگان کلیدی: نیازها و اولویت های آموزشی، برنامه ریزی آموزشی، گرایش های تخصصی حسابداری، منطق فازی.

مقدمه:

نظام آموزشی بعنوان نهادی پویا، آینده نگر و برگرفته از اندیشه های تاریخی و اجتماعی، وظیفه سنگین و در عین حال افتخار آمیز آگاه سازی و هدایت انسان ها را بر اساس بنیان های اعتقادی و ارزشی جامعه بر عهده دارد. آموزش کلید راهیابی به آینده است و باید معطوف به تربیت آینده اندیش باشد. آینده اندیشی یک الزام برای کسب موفقیت های فردی و جمعی است و آموزش باید پاسخگوی این الزام باشد. آموزش عالی نوین ایران، از زمان تأسیس دارالفنون و سپس دانشگاه تهران تا به امروز شاهد تحولات عمده ای در ابعاد گوناگون از جمله ساختار بوده و از جایگاه عدم تمرکز به سمت تمرکز، تأسیس ستاد انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۵۹، تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی برنامه ریزی در سال ۱۳۶۳ حرکت کرده و مجدداً از سال ۱۳۷۹ با تصویب برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، گرایش به عدم تمرکز در آموزش عالی ایران به صورت های مختلف از جمله واگذاری اختیارات برنامه ریزی درسی به دانشگاه ها نمود پیدا کرده است. طبق ارزیابی های انجام شده از ۴ برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۸۸-۱۳۶۸)، آموزش عالی ایران با چالش های متعددی همانند تأثیر پذیری منفی کیفیت ناشی از رشد کمی، تداوم برنامه ها و شیوه های سنتی و آماده نشدن دانشجویان برای مواجهه با مسائل و نیازهای جامعه، پایین بودن تولید دانش سازمان یافته و ... روبرو بوده است. [۱۰]

در همین راستا و با توجه به این ارزیابی ها، دبیرخانه شورای تحقیقات و فناوری وزارت علوم، تولید و اشاعه دانش بنیادی، کاربردی و توسعه ای را از طریق تحول و بازنگری در شیوه ها و برنامه های آموزشی و تأکید بر پرورش خلاقیت و کارآفرینی با توجه به نیازهای روز جامعه را بعنوان اهداف و سیاست های

تعیین اولویت ها و نیازهای آموزشی محتوای درس حسابداری از دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه، شاغلین در حرفه و آرایه الگویی موثر

دکتر فریدون رهنمای رودپشتی^۱، دکتر حمیدرضا وکیلی فرد^۲،

سید محمد رضا رئیس زاده^۳

۱- دانشیار، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

۲- استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

۳- دانش آموخته دکتری حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده

مطالعه، ارزیابی و جهت گیری های بخش آموزش عالی در چهار برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۸۸-۱۳۶۸) نشان می دهد که با چالش های متعددی از جمله تداوم برنامه ها و شیوه های سنتی آموزش، عدم انطباق محتوای درسی رشته های مختلف آموزشی با نیازهای جامعه روبرو بوده است [۱۰] و برنامه های در حال اجرای آموزش عالی با وضعیت مطلوب فاصله بسیار دارد و باید اصلاحاتی در ساختار محتوای دوره، نوع درس، حجم مطالب و زمان پیش بینی شده با توجه به اصول اعتبار، تعادل، تلفیق و وحدت انجام شود تا آموزش عالی در موقعیت و جایگاه مناسب نظری و عملی قرار گیرد [۵]. به همین منظور در این تحقیق به بررسی و تعیین دیدگاه های دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین در حرفه نسبت به اولویت گرایش های تخصصی حسابداری، محتوای دروس تخصصی، میزان واحدهای دروس تخصصی و مؤثرترین روش تدریس حسابداری به منظور تدوین چارچوبی برای برنامه ریزی رشته تحصیلی حسابداری در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری پرداخته شده است.

در این تحقیق پیمایشی - توصیفی از طریق استنتاج قیاسی برای تنظیم ۵ فرضیه و از طریق فرایند استقرایی جهت آزمون فرضیه ها استفاده شده و برای تجزیه و تحلیل اختلاف ناشی از دیدگاه های طیف جامعه آماری از آزمون آنالیز واریانس مبتنی بر رویکرد فازی و به منظور تبیین مدلی برای برنامه ریزی درسی

واحدهای پژوهشی خود اعلام نموده است [۷]. در نتیجه چالش مهم نظام آموزش عالی کشور پاسخگویی به نیاز بازار کار و جامعه، بازنگری و انطباق برنامه های آموزشی و درسی برای تربیت دانشجویانی است که توان کارآفرینی در شرایط اقتصادی و فناوری امروز را داشته باشند.

در این تحقیق با توجه به تحولات عمده ملی و جهانی و ایجاد تحول در جهت گریه های اساسی از رشد کمی به رشد کیفی و ایجاد ارتباط بیشتر با جامعه و نیازهای آن، انتظار می رود شواهد لازم ارایه شود تا بر اساس آن برنامه درسی رشته حسابداری در مقاطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی مورد بازنگری قرار گرفته و در نهایت چارچوبی برای برنامه ریزی درسی این رشته ارایه گردد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در دنیای امروز نقش سرمایه گذاری برای آموزش بعنوان یک عامل کلیدی در فرآیند توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کاملاً مشخص گردیده است. توجه به حسابداری به عنوان یک عامل توسعه بخش، زیربنای لازم برای رسیدن به اهداف توسعه اقتصادی تلقی میشود. خلیلی عراقی [۶] در مقاله ای تغییر شیوه های آموزش حسابداری را بررسی نموده و بیان میدارد که پیرو ورشکستگی بسیاری از بانک ها و شرکتهای بزرگ در امریکا، پژوهشگران کمیته تغییرات آموزش حسابداری طی تحقیقات خود دلیل آن را عملکرد ضعیف برنامه های حسابداری و قصور در آموزش عنوان کرده و اظهار داشتند که محتوای واحدهای حسابداری چندان به هم وابسته نیست و علت آنرا ضعف منابع اطلاعاتی در انتقال واقعیات از محیط اجرایی به کلاسهای درس بیان نمودند. محقق در تحقیق خود با استفاده از راهکارهای پیشنهادی کمیته تغییرات آموزش حسابداری نتیجه گیری مینماید که دو پیشنهاد ارایه شده که عملاً می توانند به تفهیم اصول حسابداری کمک نمایند عبارتند از: الف- چرخه حسابداری و ارایه آن بصورت گرافیکی ب- صورت های مالی و عناصر آن. نوروش [۱۶] مشکل آموزش حسابداری را کمبود نیروی انسانی مورد نیاز، دانشجویان واجد شرایط و محتوای برنامه تحصیلی بیان داشته و یادآوری نموده که بسیاری از مطالب برنامه درسی از کشورهای توسعه یافته غرب اقتباس گردیده است. محقق در تحقیقات خود نتیجه گیری می کند برای دستیابی به برنامه درسی مؤثر، به تغییر بنیادی در مسیر فعلی برنامه درسی و آموزش دانش و مهارت های لازم برای طراحی و اجرای سیستم های حسابداری باید تأکید فراوان شود. اعتمادی [۱۱] در تحقیق خود به ارتباط بین تحقیقات، آموزش و عمل حسابداری پرداخته و سپس با استفاده از روش تحلیلی، الگویی را جهت

.....*

هم سوئی تحقیقات با آموزش و عمل ارایه می نماید. در رابطه با تبیین نیازها و اولویت های تحقیقاتی حسابداری به دیدگاه نمایندگان دو طیف دانشگاهی و حرفه پرداخته و تفاوت بین تحقیقات انجام گرفته و اولویت های مطرح شده را بررسی مینماید. محقق در بخش وضعیت علمی حسابداری در ایران بیان می دارد که فعالیت های آموزشی در کشور تا حدود زیادی از نیازهای حرفه ای فاصله گرفته و فاقد کارایی از جهت رفع نیازها می باشد. ضعف دیگر نظام آموزشی حسابداری را یکسان بودن محتوای دروس حسابداری در تمامی مناطق کشور و تخصصی نبودن آن، دانسته که این موضوع سبب شده تا نظام آموزشی، نیروی انسانی را تربیت نماید که فاقد مهارتها و تواناییهای حرفه ای مناسب باشد. محقق نتیجه گیری میکند که راه حل هماهنگی بین سه عنصر تحقیقات، آموزش و عمل حسابداری در ایران، گنجاندن تحقیقات در فرآیند آموزش و تطابق محتوای آموزشی با نیازهای عملی می باشد. مشایخی [۱۴] در تحقیقی به تعیین نیازها و اولویت های آموزشی حسابداری مدیریت و بررسی فاصله ادراکی بین دانشگاهیان و شاغلین در حرفه حسابداری پرداخته و نتیجه گیری نموده که شاغلین حرفه در مورد روشهای مورد استفاده در سازمان، بیشتر به روشهای سنتی حسابداری مدیریت توجه داشته و در مورد مهارتهای مورد نیاز برای فارغ التحصیلان جدید حسابداری که وارد مشاغل حسابداری مدیریت میشوند از دیدگاه هر دو گروه مورد مطالعه، مهارتهای حل مسئله را بالاترین اولویت بیان داشته اند. سنایی [۹] در تحقیق خود تحت عنوان تجزیه و تحلیل وضعیت آموزشی دانشگاهها در ارتباط با نیازهای آموزش عالی کشور بیان میدارد که کیفیت هر نظام آموزشی مترادف با توانایی بدست آوردن نتایج مطلوب بوده و اشاره میکند که کارایی به هزینه و اثر بخشی بستگی داشته و مبین توان تولیدی آن نظام است که بصورت نسبت های کمی از برون داد به درون داد بیان میشود. سنایی در تحقیق خود نتیجه گیری می نماید که آموزش عالی تحت یک الگوی منسوخ و قدیمی است و نیازهای آموزشی رایج را منعکس نکرده و برنامه ریزی درسی باید با تأکید بر شایستگی عملی فراگیر از نوسازمان داده شود. عرب مازار یزدی [۱۱] در زمینه ضرورت بازنگری جایگاه سیستم های اطلاعاتی حسابداری در آموزش و حرفه اظهار میدارد که برنامه آموزش حسابداری نیاز به اصلاح جدی در این زمینه دارد و به هر شکل ممکن باید دروس مختلفی در برنامه سطوح کارشناسی ارشد حسابداری بر پایه مباحث مربوط به سیستم های اطلاعاتی حسابداری گنجانده شود. عرب مازار یزدی در مقاله خود نتیجه گیری نموده که امروزه بازنگری در نحوه آموزش رشته حسابداری به عنوان یک ضرورت احساس شده و در صورتی که در این رشته نیز مانند سایر علوم، گرایش های متفاوت ایجاد گردد، آنگاه این ضرورت بیشتر لمس شده و تأثیر فوق العاده فناوری اطلاعات و ارتباطات در چنین شرایطی بیش از گذشته درک خواهد شد.



نایت و زوک^۱ [۲۱] پس از انجام تحقیقی گزارش دادند که دو گروه حسابداران خبره (CPAs) و مدیران مالی آمریکا سر فصل های حسابداری مالی و مدیریت را از لحاظ اهمیت به طور متفاوتی اولویت بندی می نمایند. نوین، پیرسون و صدقی^۲ [۲۵] در تحقیقی به مطالعه مهارت ها و ویژگی های لازم برای فارغ التحصیلان رشته حسابداری که وارد مشاغل حسابداری مدیریت می شوند، پرداختند و تأکید آنها بر این مسئله بود که بررسی این مهارت ها و ویژگی ها می تواند در ارایه ساختاری مناسب برای برنامه درسی حسابداری مفید باشد. سیگل و سورنسون^۳ [۲۹] در تحقیق خود بدنبال پاسخ این سؤال رفتند که توقع شرکت های آمریکایی از حسابدارانی که تازه وارد حرفه می شوند چیست؟ نتایج تحقیق حاکی از آن بود که نحوه آموزش دانشگاه ها برای یک شغل حسابداری مدیریت از لحاظ نیازهای موجود کفایت نمی کند. آن ها پیشنهاد کردند که ارتباط بیشتری بین دانشگاه و افراد شاغل در حرفه بوجود آید تا به این طریق پلی بین عقاید این دو گروه بنا شود. سیگل و کولیسزا^۴ [۲۸] در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که فارغ التحصیلان حسابداری در شرکت های آمریکایی برای مسائل بحرانی حسابداری مدیریت توانایی لازم را ندارند. مدیران شرکت ها تمایل دارند که محتوای دروس حسابداری به طور صریح و روشن بر اساس آنچه که حسابداران در موقعیت اصلی حسابداری مدیریت انجام می دهند به آن ها آموزش داده شود. آلبرشت و ساک^۵ [۱۷] در تحقیقات خود نتیجه گیری نمودند که زمان برای تغییر آموزش حسابداری برای اینکه «فقط بهتر شود» گذشته است، آموزش حسابداری در ساختار جاری که ارایه می شود، دور افتاده و ناقص بوده و نیاز به اصلاحات اساسی دارد، محتوای دروس حسابداری باید بر اساس تقاضای بازار، نه بر اساس علائق دانشگاه، تعیین شود. هدف علم حسابداری آموزش حسابداری نیست، بلکه آموزش به دانشجویانی است که حسابدار شوند. رینر و تانر^۶ [۲۶] بیان می دارند که اساتید حسابداری باید به تغییر متدلوژی آموزش خود به منظور کاهش فاصله از بازار اقدام نمایند. مفاهیم بازاریابی و ارتباطات اجتماعی باید در دوره حسابداری آموزش داده شود. نیرون^۷ [۲۴] در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده که امروزه حسابداران امتیاز و احترام اولیه خود را در جامعه از دست داده اند و حالا باید در بازار کلاهبرداری های اخیر، مجدداً آن را بدست آورند. نیرون اظهار می دارد اصولی که دانشجویان حسابداری باید بطور عمیق بیاموزند در مورد مفاهیم حسابداری مالی می باشد که این مفاهیم در تئوری های مربوط به گزارشگری مالی بیان شده است. محقق نتیجه گیری می کند که دانشجویان حسابرسی باید موضوعات مربوط به اخلاق حرفه ای و استانداردهای جدید و کنترل های داخلی مربوط به کلاهبرداری ها را بیاموزند. محمد و



- 1- Knight & Zook
- 2- Novin, Pearson & Sdge
- 3- Siegel & Sorenson
- 4- Siegel & Kulesza

- 5- Albrecht & Sack
- 6- Renner & Tanner
- 7- Nearon



لاشین^۱ [۲۳] در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که امروزه مدل های آموزش حسابداری در دانشگاه ها در جهت آماده نمودن دانشجویان برای بازارهای پیچیده، مناسب و کافی نمی باشد. اساتید حسابداری نیازمند توسعه یک برنامه راهبردی به منظور کاهش فاصله و خلاء موجود بین مهارت های جاری دانشجویان و مهارت های مورد نیاز بازار کار می باشند. کار^۲ [۲۰] در تحقیق خود اظهار می دارد که فارغ التحصیلان حسابداری باید دارای ویژگی آموزشی قوی و مهارت های ارتباطی کافی باشند. محقق در تحقیق خود نتیجه گیری می نماید که شاغلین در حرفه تأکید زیادی بر مهارت گزارش نویسی فارغ التحصیلان داشته اند. کرامر، جانسون، کرین و میلر^۳ (۲۰۰۵) در تحقیقات خود بیان داشته اند که بسیاری از فارغ التحصیلان حسابداری برای شغل حسابداری در بخش دولتی و خصوصی فاقد صلاحیت کافی می باشند، دلیل اصلی آن وجود خلاء ناشی از ارتباط بین اساتید حسابداری و شاغلین حرفه در بخش دولتی و خصوصی می باشد. جین اسمیت^۴ [۲۰] در تحقیق خود راجع به تفاوت اولویت های آموزشی در محتوای دروس مقطع کارشناسی حسابداری بیان می دارد که مدیران مالی و شاغلین در حرفه از کارایی پایین فارغ التحصیلان حسابداری بسیار ناراضی بوده و این نارضایتی می تواند ناشی از وجود فاصله ادراکی بین شاغلین در حرفه با مربیان دانشگاهی و نارضایتی هر دو گروه از شغل خود باشد. محقق اظهار می دارد که اساتید دانشگاه و شاغلین در حرفه به منظور تجدید نظر در دروس حسابداری و اطمینان از اینکه محتوای دروس پاسخگوی نیازهای دانشجویان و استخدام کنندگان باشد باید با همدیگر مشارکت داشته باشند. جین اسمیت در تحقیق خود اظهار داشته که AICPA بیان نموده برنامه های درسی حسابداری باید در جهت تقاضای بازار تغییر یافته و آنگاه در محتوای دروس حسابداری نیز اصلاحاتی صورت گیرد. عدم وجود هرگونه بحث و مذاکره در باره نحوه آموزش و محتوای دروس در میان اساتید یک مانع اساسی در جهت ایجاد تغییر در محتوای دروس حسابداری می باشد.

مدل های نظری و بیان مدل منتخب تحقیق

مدل تایلر^۵ [۳] - تایلر در کتاب اصول اساسی برنامه درسی و آموزشی بیان می دارد که برنامه ریزان برای بررسی مسائل برنامه درسی ابتدا باید هدف های کلی را بر اساس گردآوری اطلاعات از سه منبع ماده درسی، یادگیرنده و جامعه تعیین نموده سپس این هدف ها را از دو صافی فلسفه تربیتی و روانشناسی یادگیری گذرانده تا هدف های ویژه آموزشی مشخص گردد. آنگاه تجربه های یادگیری بر اساس تجربه های قبلی فراگیر و موقعیتی که او به آن خواهد رسید و همچنین در پرتو آنچه استادان درباره یادگیری و رشد انسانی می دانند، انتخاب شوند. در نهایت این فرایند مورد ارزشیابی قرار گیرد.



- 1- Mohamed & lashine
- 2- Karr
- 3- Kramer, Jonson, Crain & Miller

- 4- Gene Smith
- 5- Tyler

مدل هیلدا تبا (۱۹۶۲) - تبا در کتاب بهبود محتوای آموزشی بیان می دارد آنانی که برنامه درسی را اجرا می کنند باید در برنامه ریزی شرکت نمایند. او هفت مرحله اصلی در مدل خود برشمرد که اولین مرحله تشخیص نیاز توسط مربیان برنامه ریزی درسی سپس تعیین هدفهای قابل تحقق، انتخاب محتوا و سازماندهی آن، انتخاب تجربه های یادگیری از طریق آرایه محتوا به فراگیران، سازماندهی فعالیت های یادگیری و در نهایت ارزشیابی برنامه ریزی بوده است.

مدل سیلور و الکساندر (۱۹۸۱) - سیلور و الکساندر یک رویکرد سیستماتیک چهار مرحله ای برای برنامه ریزی درسی به شرح زیر آرایه نمودند:

۱- هدف های کلی، هدف های جزئی و حیطه ها که برنامه ریزان با تحلیل هدف های کلی و جزئی برنامه ریزی درسی را شروع نموده و هدف ها در حیطه های برنامه درسی سازمان می یابند. به همین دلیل چهار حیطه باید در سازماندهی هدف ها مورد توجه قرار گیرند: رشد شخصی، روابط انسانی، مهارت های یادگیری و تخصصی کردن

۲- طراحی برنامه درسی که در این بخش برنامه ریزان درسی در خصوص محتوا، سازماندهی آن و فرصت های یادگیری مناسب تصمیم گیری می کنند. در این تصمیم گیری ها دیدگاه های فلسفی تأثیر دارند، که آیا برنامه درسی به رشته های علمی تأکید می کند؟ یا به یادگیرنده و یا به نیازهای جامعه؟

۳- اجرای برنامه درسی که با تهیه طرح های آموزشی و اجرای آن همراه است. یعنی روش ها و موادی را که برای کمک به یادگیری دانش آموختگان مورد استفاده قرار می گیرد انتخاب می شوند.

۴- ارزشیابی برنامه درسی که در این مرحله برنامه ریزان از فنون ارزشیابی که بتواند تصویری درست از ارزش و موفقیت برنامه درسی آرایه دهد استفاده می نمایند.

مدل ملکی [۱۵] - ملکی در کتاب خود با توجه به شرایط و ویژگی های موجود در نظام آموزش کشور مدلی که دارای ۱۷ مرحله است ارائه نموده که در اولین مراحل نیاز سنجی، جهت دهی ارزشی، تعیین هدف های برنامه درسی و انتخاب محتوا بوده و در مراحل پایانی نظارت و کنترل، ارزشیابی پایانی، بازنگری و اصلاح برنامه درسی را مطرح نموده است.

مدل عرب مازار یزدی [۱۱] - در مدل آرایه شده توسط عرب مازار عناصر اصلی فرایند تغییر برنامه درسی هفت مرحله داشته که اولین مرحله تشخیص نیاز برای تغییر، سپس مشخص نمودن تغییرات مورد نیاز، طراحی برنامه، کسب پذیرش عمومی، اجرای برنامه و سنجش نتایج مراحل بعدی را تشکیل می دهند. عرب مازار اصلاح و بازنگری برنامه آموزش حسابداری را امری ضروری دانسته و در فرایند آموزش دو عامل اصلی زیر را مطرح می سازد. الف- خصوصیات دانشجویان ب- نحوه آموزش.

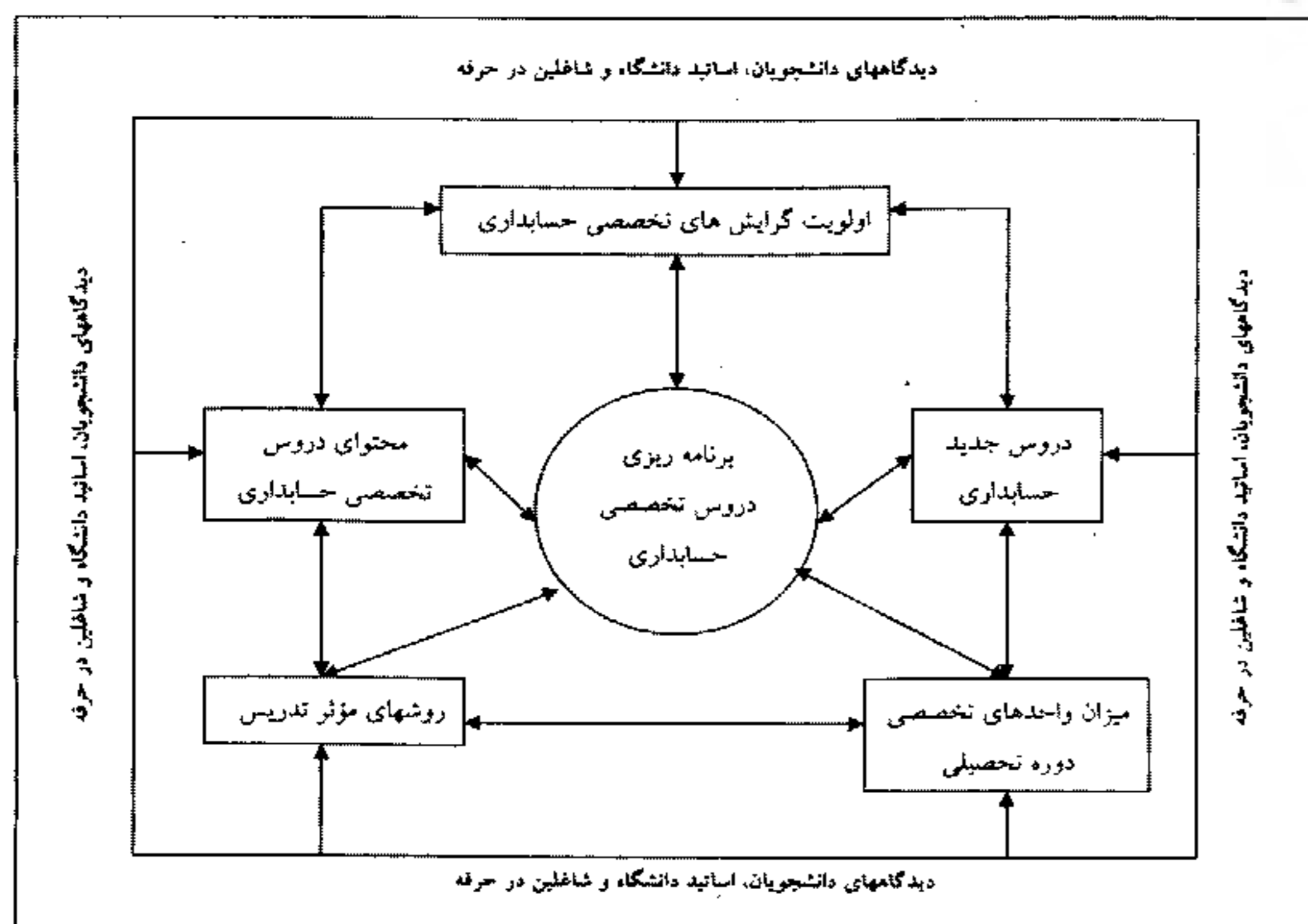
.....*

- 1- Taba
- 2- Saylor, Alexander



مدل پیشنهادی - بعضی از مدل های مذکور بطور عمده در فرآیند برنامه ریزی درسی از منطق علم پیروی کرده و صرف نظر از شرایط و موقعیت ها بوجود قوانین ثابت و مراحل مشخص، پایبند است و در برنامه ریزی بطور خطی مرحله به مرحله تصمیم گیری می شود و بر همان منطق نیز برنامه درسی به اجرا در می آید. بعضی دیگر از مدل های فوق در یک موضوع افراطی علایق و گرایشات فراگیر را تنها محور جهت دهنده به فعالیت های یادگیری، انتخاب و سازماندهی محتوا قرار داده اند. اما چون رشد و تربیت فراگیر و آماده ساختن او برای زندگی اجتماعی محور آموزش است، گاهی اقتضا می کند که برنامه ریزان درسی برای پرورش فراگیر جهت گیری و اهداف برنامه درسی را تعیین کرده و ضمناً در همه تصمیم گیری ها، نیازها و توانایی ها و گرایش های فراگیر را در نظر بگیرند. لذا به منظور لزوم بکارگیری برنامه ریزی علمی و کارآمد که بتوان شاخص های مرتبط با افزایش کارایی فارغ التحصیلان رشته حسابداری را در راستای نیازهای جامعه مالی ایران تأمین نمود نگارنده با اهمیت دادن به گرایش های تخصصی حسابداری و بررسی تناسب آنها با تحولات علمی و اجتماعی در سطح ملی و جهانی و همچنین بررسی نحوه ارتباط عناوین دروس در مقاطع مختلف تحصیلی رشته حسابداری با یکدیگر و نحوه مؤثر آموزش با استفاده از نظرات دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین در حرفه سعی در شناسایی کاستی های احتمالی موجود در نظام آموزش حسابداری نموده و جهت تدوین چارچوبی برای برنامه ریزی دروس تخصصی حسابداری از طریق نیاز سنجی، ۵ شاخص اصلی و ۳۷ متغیر را در نظر گرفته است. نمودار ۱ مدل پیشنهادی برای بازنگری و اصلاح برنامه ریزی درسی رشته حسابداری را نشان می دهد:

نمودار ۱- الگوی برنامه ریزی دروس تخصصی حسابداری





در این چارچوب این نگرش مفروض است که فرد و جامعه به یکدیگر وابسته هستند و توجه به نیازها و دیدگاه های افراد در حد قابل توجهی نیازهای جامعه را مشخص می سازد. مفهوم جامعه در این چارچوب دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین در حرفه حسابداری می باشند. بین اجزای تشکیل دهنده این چارچوب ارتباط متقابل منطقی وجود دارد. آنچه در این الگو بسیار مهم می باشد سعی در جمع آوری کلیه اطلاعات لازم در آن است، ولی در برخی مواقع ممکن است در جریان عمل، پرداختن به بعضی از آنها به دلایل متعدد از جمله محدودیت امکانات و اهداف خاص در یک بررسی، عملی و حتی ضروری نباشد و این امر باعث محدود و یا وسیع تر شدن موارد پیش بینی شده در آن می گردد. در مدل پیشنهادی فوق که شامل ۵ مولفه اصلی است، هر مولفه شامل تعدادی متغیر بشرح زیر می باشد:

مؤلفه اول - شامل ۶ گرایش تخصصی حسابداری:

گرایش حسابداری مالی، گرایش حسابرسی، گرایش حسابداری مدیریت، گرایش حسابداری مالیاتی، گرایش حسابداری دولتی و گرایش حسابداری ملی.

مؤلفه دوم - محتوای برنامه دروس تخصصی حسابداری شامل ۱۲ عنوان درس:

اصول حسابداری، حسابداری میانه، حسابرسی، حسابداری بهای تمام شده، حسابداری مدیریت، حسابداری مالیاتی، حسابداری پیشرفته، تئوری های حسابداری، حسابداری دولتی، مدیریت مالی، تحقیقات تجربی در حسابداری، کاربرد کامپیوتر در حسابداری

مؤلفه سوم - دروس جدید حسابداری شامل ۵ عنوان درس:

کارگاه های عملی در کلاس، تهیه گزارش های مالی و یادداشت های توضیحی آن، حل افته در کلاس، حسابداری مدیریت پیشرفته، سیستم های اطلاعاتی حسابداری

مؤلفه چهارم - میزان واحدهای تخصصی در مقاطع مختلف تحصیلی شامل ۳ سؤال اصلی:

معادل ۶۲ واحد، بیشتر و یا کمتر از آن برای مقطع کارشناسی، معادل ۳۲ واحد، بیشتر و یا کمتر از آن برای مقطع کارشناسی ارشد، معادل ۱۸ واحد بیشتر و یا کمتر از آن برای مقطع دکتری

مؤلفه پنجم - مؤثرترین روش تدریس شامل ۵ روش:

روش تدریس سنتی (استاد محور)، روش تدریس دانشجو محور، روش تدریس حل افته، روش تدریس با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، روش تدریس کاوشگری

فرضیه تحقیق

برای رسیدن به اهداف این تحقیق و با توجه به مدل پیشنهادی ۵ فرضیه به شرح زیر تدوین گردیده است:

۱- بین دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین حرفه در مورد اولویت گرایش های تخصصی رشته حسابداری، تفاوت معنی داری وجود دارد.

۲- بین دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین حرفه در مورد اینکه محتوای برنامه دروس تخصصی حسابداری تأمین کننده نیازهای کنونی و آتی کشور است، تفاوت معنی داری وجود دارد.

۳- بین دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین حرفه در مورد موضوعات جدید حسابداری که باید باعث اصلاح مستمر برنامه های آموزشی حسابداری شود، تفاوت معنی داری وجود دارد.

۴- بین دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین حرفه در مورد اختصاص میزان واحدهای برنامه درسی، تفاوت معنی داری وجود دارد.

۵- بین دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین حرفه در مورد کاربرد روشهای مؤثر تدریس، تفاوت معنی داری وجود دارد.

روش شناسی تحقیق

به منظور تبیین پیشینه تحقیق و مفهوم سازی مدل از مقالات علمی، کتاب ها و اطلاعات موجود در کتابخانه ها و برای جمع آوری اطلاعات جهت آزمون فرضیه ها از روش میدانی و پرسشنامه در فاصله اندازه گیری لیکرت استفاده شده است. فرایند تحقیق بدین گونه بود که ابتدا از طریق نیازسنجی، موضوعات قابل تحقیق از اساتید دانشگاه، دانشجویان مقطع دکتری، مدیران مالی شرکت ها و مدیران ارشد موسسات حسابرسی تحصیل گردید و سپس با توجه به محورهای تحقیقاتی موجود در زمینه نیازها و اولویت های محتوای دروس حسابداری در ادبیات مالی و حسابداری و تدوین شاخص های مورد نیاز و متغیرهای مربوط، زمینه تدوین پرسشنامه فراهم شد. ابتدا تعداد ۱۶۴ سؤال مربوط به موضوع تحقیق از منابع گوناگون منجمله راهنمای عملی ارزیابی درونی در نظام آموزش عالی ایران - تجارب ملی و بین المللی [۱۳]، شاخص های عملکردی در ارتقای کیفی مدیریت نظام آموزش عالی [۱۲]، ارزیابی درونی دانشگاهی و کاربرد آن در بهبود مستمر کیفیت آموزش عالی [۲]، فصلنامه پژوهش و سازندگی در منابع طبیعی [۸] و فصلنامه علمی و پژوهشی بررسی های حسابداری [۴] تهیه گردید، سپس با مطالعه مقدماتی و مصاحبه با اساتید علوم تربیتی و روش شناسی تحقیق تعداد سئوالات مربوطه تعدیل و در نهایت ۴۳ سؤال با حفظ تناظر آنها برای طیف





جامعه آماری تحقیق در پرسشنامه نهایی در چند بخش و برای دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین در حرفه تنظیم و کدگذاری شد. ضریب آلفای کرونباخ و ضریب Split-Half پرسشنامه ها نیز محاسبه گردید. جامعه آماری مورد مطالعه از میان دانشجویان، اعضاء هیأت علمی از ۷ دانشگاه دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی و مؤسسات غیر انتفاعی، مدیران مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و مدیران ارشد مؤسسات حسابرسی انتخاب شده اند. در این تحقیق ابتدا جامعه آماری به ۵ طبقه تقسیم شده و سپس با توجه به حجم هر طبقه و با استفاده از جدول کرجسی-مورگان ۶۶۴ نفر نمونه انتخاب و ۵۶۹ پرسشنامه جمع آوری شد. دوره تحقیق نیز در طی سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ بوده است. در این تحقیق توصیفی-پیمایشی چون تعداد داده ها زیاد و از نوع کیفی بوده و در دامنه ۱ الی ۵ رتبه بندی شده اند ابتدا میانگین، انحراف معیار و چگالی آن ها محاسبه و معلوم گردید که دارای توزیع نرمال نیستند. با توجه به موضوع و فرضیه های تحقیق، به علت اینکه تعداد داده ها زیاد بوده، ابتدا میانگین رتبه بندی آن ها محاسبه و در یکجا مقایسه گردید اما چون در این روش احتمال دامنه پراکندگی بین میانگین ها بسیار کم خواهد بود و این موضوع می تواند در تأیید یا رد فرضیه ها تأثیرگذار باشد، محقق به این نتیجه رسید که آزمون کروسکال والیس برای آزمودن فرضیه های این تحقیق و نتیجه گیری نهایی از کارایی کافی برخوردار نمی باشد. به همین علت برای بررسی اختلاف ناشی از آراء بین گروه ها و تجزیه و تحلیل داده ها از رویکرد فازی استفاده شده است. در این رویکرد ابتدا با مراجعه به ۳۰ نفر از هر طبقه جامعه آماری شامل اساتید دانشگاه دارای مرتبه استادیاری و یا مربی با ۱۵ سال سابقه آموزشی، دانشجویان دکتری حسابداری و مدیران مالی شرکت ها و مؤسسات حسابرسی با حداقل ۱۵ سال سابقه تجربی، توابع عضویت فازی مثلثاتی مرز نقاط مختلف کیفی جدول لیکرت را مشخص نموده و سپس با فازی زدایی، داده های کیفی تبدیل به داده های کمی پیوسته شده و با استفاده از روش های کلاسیک آماری برای داده های پارامتریک (آنالیز واریانس)، فرضیه های تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفتند. ضمناً در این تحقیق به منظور تبیین مدل برای برنامه ریزی درسی در رشته حسابداری از تحلیل عاملی مبتنی بر داده های فازی استفاده شده است.

نتایج و تحلیل یافته های تحقیق

فرض آماری اول: بین دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین حرفه در مورد اولویت گرایش های تخصصی رشته حسابداری، تفاوت معنی داری وجود ندارد. با استفاده از داده های کمی پیوسته که از طریق تابع عضویت فازی حاصل گردید فرض آماری اول با استفاده از جدول آنالیز واریانس برای مقایسه میانگین ۵



طیف جامعه آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که نتایج آن در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱ - آنالیز انحراف معیار فرضیه اول در منطق فازی

جامعه آماری	N	Mean	Std.Deviation	Std.Error	95%Confidence Interval for Mean	
					Lower Bound	Upper Bound
مدیران	۱۶۴	۶۵/۱۰۲۷	۱۱/۴۳۲۰۹	۱/۰۹۵۰۰	۶۲/۹۳۲۲	۶۷/۲۷۳۲
کارشناسی ارشد	۱۱۲	۶۳/۹۹۰۳	۱۳/۸۵۲۷۶	۱/۷۳۱۶۰	۶۰/۵۳۰۰	۶۷/۴۵۰۶
دکتری	۳۵	۶۷/۱۵۹۴	۱۷/۸۳۴۹۰	۳/۷۱۸۸۳	۵۹/۴۴۷۰	۷۴/۸۷۱۸
هیأت علمی	۶۶	۶۹/۲۲۶۵	۱۱/۸۴۲۱۶	۱/۹۷۳۶۹	۶۵/۲۱۹۷	۷۳/۲۳۳۴
کارشناسی	۱۹۲	۶۰/۰۲۷۰	۱۶/۳۹۶۲۵	۱/۴۰۵۹۷	۵۷/۲۴۶۴	۶۲/۸۰۷۶
جمع	۵۶۹	۶۳/۵۶۵۴	۱۴/۵۶۲۳۱	۰/۷۵۹۱۱	۶۲/۰۷۲۶	۶۵/۰۵۸۲

آنالیز واریانس (ANOVA)

	Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
بین گروهها	۳۴۲۲/۷۴۶	۴	۸۵۵/۱۸۷	۴/۱۷۵	۰/۰۰۳
درون گروهها	۷۴۴۰۳/۵۵۱	۳۶۳	۲۰۴/۹۶۸		
جمع	۷۷۸۲۶/۲۹۷	۳۶۷			

با توجه به اینکه $P\text{-Value} < 0.05$ است آزمون در سطح خطای ۰/۰۵ معنی دار بوده و فرض آماری پذیرفته نمی شود. در نتیجه بین دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین حرفه در مورد اولویت گرایش های تخصصی حسابداری، تفاوت معنی داری وجود دارد.

فرض آماری دوم: بین دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین حرفه در مورد اینکه محتوای برنامه دروس تخصصی حسابداری تأمین کننده نیازهای کنونی و آتی کشور است، تفاوت معنی داری وجود ندارد. با استفاده از داده های کمی پیوسته که از طریق تابع عضویت فازی حاصل گردید فرض آماری دوم با استفاده از جدول آنالیز واریانس برای مقایسه میانگین ۵ طیف جامعه آماری انجام گرفت که نتایج آن در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲ - آنالیز انحراف معیار فرضیه دوم در منطق فازی

جامعه آماری	N	Mean	Std.Deviation	Std.Error	95%Confidence Interval for Mean	
					Lower Bound	Upper Bound
مدیران	۱۶۴	۵۵/۷۰۶۴	۱۳/۵۴۳۸۶	۱/۲۹۷۲۷	۵۳/۱۳۵۰	۵۸/۲۷۷۸
کارشناسی ارشد	۱۱۲	۶۰/۵۵۵۱	۱۲/۸۹۳۲۹	۱/۶۱۱۶۶	۵۷/۳۳۴۴	۶۳/۷۷۵۷
دکتری	۳۵	۶۱/۹۸۸۱	۱۴/۶۱۵۱۵	۳/۰۴۷۴۷	۵۵/۶۶۸۱	۶۸/۳۰۸۲
هیأت علمی	۶۶	۶۴/۴۹۰۴	۱۰/۶۲۳۸۰	۱/۷۷۱۱۳	۶۰/۸۹۴۸	۶۸/۰۸۶۰
کارشناسی	۱۹۲	۵۸/۴۳۷۵	۱۳/۳۱۵۹۳	۱/۱۸۱۶۰	۵۶/۰۹۹۲	۶۰/۷۷۵۹
جمع	۵۶۹	۵۸/۸۲۰۲	۱۳/۳۶۳۵۹	۰/۷۰۵۳۰	۵۷/۴۳۳۲	۶۰/۲۰۷۳

آنالیز واریانس (ANOVA)

	Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
بین گروهها	۲۶۵۶/۲۹۶	۴	۶۶۴/۰۷۴	۳/۸۳۶	۰/۰۰۵
درون گروهها	۶۱۲۷۷/۳۶۲	۳۵۴	۱۷۳/۱۰۰		
جمع	۶۳۹۳۳/۶۵۷	۳۵۸			

با توجه به اینکه $P\text{-Value} < 0.05$ است، آزمون در سطح خطای 0.05 معنی دار بوده و فرض آماری دوم پذیرفته نمی شود. در نتیجه بین دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین حرفه در مورد اینکه محتوای برنامه دروس تخصصی حسابداری تأمین کننده نیازهای کنونی و آتی کشور است، تفاوت معنی داری وجود دارد.

فرض آماری سوم: بین دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین حرفه در مورد موضوعات جدید حسابداری که باید باعث اصلاح مستمر برنامه های آموزشی حسابداری شود، تفاوت معنی داری وجود ندارد. با مقایسه میانگین های محاسبه شده که از طریق ارزش گذاری و مرز بندی فازی شکل گرفته است، با فازی زدایی داده ها و با استفاده از روشهای آماری و جدول آنالیز واریانس نتیجه آزمون فرض آماری سوم در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- آنالیز انحراف معیار فرضیه سوم در منطق فازی

جامعه آماری	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error	95% Confidence Interval for Mean	
					Lower Bound	Upper Bound
مدیران	۱۶۴	۶۹/۶۱۲۴	۱۶/۱۵۸۹۲	۱/۵۴۷۷۴	۶۶/۵۴۴۵	۷۲/۶۸۰۳
کارشناسی ارشد	۱۱۲	۷۳/۳۶۲۳	۱۱/۳۱۷۴۹	۱/۴۱۴۶۹	۷۰/۵۳۵۳	۷۶/۱۸۹۳
دکتری	۳۵	۷۶/۵۱۹۴	۱۱/۳۰۶۲۴	۲/۳۵۷۵۱	۷۱/۶۳۰۲	۸۱/۴۰۸۶
هیأت علمی	۶۶	۸۷/۵۵۳۹	۱۳/۲۵۵۴۸	۲/۲۰۹۲۵	۸۳/۰۶۸۹	۹۲/۰۳۸۹
کارشناسی	۱۹۲	۶۳/۷۳۴۸	۲۰/۵۷۱۰۲	۱/۸۳۲۶۱	۶۰/۱۰۷۹	۶۷/۳۶۱۸
جمع	۵۶۹	۷۰/۴۶۲۰	۱۸/۰۱۰۸۲	۰/۹۵۱۹۰	۶۸/۵۹۰۰	۷۲/۳۳۴۱

آنالیز واریانس (ANOVA)

	Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
بین گروهها	۱۷۶۷۹/۸۳۸	۴	۴۴۱۹/۹۵۹	۱۵/۹۰۰	۰/۰۰۰
درون گروهها	۹۸۱۲۷/۲۵۷	۳۵۳	۲۷۷/۰۹۸۱		
جمع	۱۱۵۸۰۷/۰۹۵	۳۵۷			

با توجه به اینکه $P\text{-Value} < 0.05$ است آزمون در سطح خطای 0.05 معنی دار بوده و فرض آماری سوم پذیرفته نمی شود. به عبارت دیگر بین دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین حرفه در مورد موضوعات جدید حسابداری که باید باعث اصلاح مستمر برنامه های آموزشی حسابداری شود، تفاوت معنی داری وجود دارد.

فرض آماری چهارم: بین دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین حرفه در مورد اختصاص میزان واحدهای دروس تخصصی حسابداری، تفاوت معنی داری وجود ندارد. با استفاده از روشهای فازی و توابع عضویت مثلثاتی، داده های کیفی بعد از فازی زدایی به داده های کمی پیوسته تبدیل گردیده و با استفاده از جدول آنالیز واریانس، آزمون فرض آماری چهارم انجام گرفته که در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

جدول ۴- آنالیز انحراف معیار فرضیه چهارم در منطق فازی

جامعه آماری	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error	95% Confidence Interval for Mean	
					Lower Bound	Upper Bound
مدیران	۱۶۴	۵۳/۶۰۶۴	۲۴/۶۶۹۰۴	۲/۳۶۲۸۷	۴۸/۹۲۲۸	۵۸/۲۹۰۰
کارشناسی ارشد	۱۱۲	۵۱/۹۰۸۹	۱۲/۵۷۹۶۴	۱/۵۷۲۴۵	۴۸/۷۶۶۶	۵۵/۰۵۱۲
دکتری	۳۵	۵۶/۲۳۴۰	۱۱/۰۹۱۰۴	۲/۳۱۲۶۴	۵۱/۴۳۷۹	۶۱/۰۳۰۱
هیأت علمی	۶۶	۵۵/۴۴۷۴	۹/۶۹۵۴۷	۱/۶۱۵۹۱	۵۲/۱۶۷۰	۵۸/۷۲۷۹
کارشناسی	۱۹۲	۶۳/۷۳۴۸	۲۰/۵۷۱۰۲	۱/۸۳۲۶۱	۶۰/۱۰۷۹	۶۷/۳۶۱۸
جمع	۵۶۹	۵۷/۲۲۱۶	۲۰/۰۳۴۸۷	۱/۰۵۸۸۸	۵۵/۱۳۹۲	۵۹/۳۰۴۱

آنالیز واریانس (ANOVA)

	Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
بین گروهها	۸۷۱۱/۹۴۲	۴	۲۱۷۷/۹۸۵	۵/۷۱۳	۰/۰۰۰
درون گروهها	۱۳۴۵۸۶/۴۳۷	۳۵۳	۳۸۱/۲۶۵		
جمع	۱۴۳۲۹۸/۳۷۹	۳۵۷			

با توجه به اینکه $P\text{-Value} < 0.05$ است، آزمون معنی دار بوده و فرض آماری چهارم پذیرفته نمی شود. به عبارت دیگر بین دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین حرفه در مورد اختصاص میزان واحدهای دروس تخصصی حسابداری، تفاوت معنی داری وجود دارد. **فرض آماری پنجم:** بین دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین حرفه در مورد کاربرد روش های موثر تدریس، تفاوت معنی داری وجود ندارد.

با استفاده از روش های فازی و توابع عضویت مثلثاتی، داده های کیفی بعد از فازی زدایی به داده های کمی پیوسته تبدیل گردید. با استفاده از جدول آنالیز واریانس، آزمون فرض آماری پنجم انجام گرفته که در جدول شماره ۵ ارایه شده است.

جدول ۵- آنالیز انحراف معیار فرضیه پنجم در منطق فازی

جامعه آماری	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error	95% Confidence Interval for Mean	
					Lower Bound	Upper Bound
مدیران	۱۶۴	۶۸/۸۳۰۹	۱۲/۵۶۶۴۸	۱/۲۰۳۶۵	۶۶/۴۴۵۰	۷۱/۲۱۶۷
کارشناسی ارشد	۱۱۲	۷۰/۸۳۷۰	۱۳/۱۷۳۰۸	۱/۶۴۶۶۴	۶۷/۵۴۶۴	۷۴/۱۲۷۵
دکتری	۳۵	۷۳/۹۱۷۱	۷/۴۲۰۵۰	۱/۳۳۸۷۷	۷۱/۱۴۰۷	۷۶/۶۹۳۶
هیأت علمی	۶۶	۷۲/۹۲۶۴	۷/۵۳۳۴۰	۱/۲۵۵۵۷	۷۰/۳۷۷۵	۷۵/۴۷۵۳
کارشناسی	۱۹۲	۵۶/۷۸۰۷	۱۳/۵۲۲۲۴	۱/۲۰۴۶۶	۵۴/۳۹۶۵	۵۹/۱۶۴۹
جمع	۵۶۹	۶۵/۶۸۷۰	۱۳/۹۹۷۹۰	۰/۷۳۹۸۱	۶۴/۲۳۲۱	۶۷/۱۴۱۹

آنالیز واریانس (ANOVA)

	Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
بین گروهها	۱۶۲۱۴/۰۳۵	۴	۴۰۵۳/۵۰۹	۲۶/۶۲۸	۰/۰۰۰
درون گروهها	۵۳۳۳۷/۹۸۱	۳۵۳	۱۵۲/۲۲۹		
جمع	۶۹۹۵۱/۰۱۶	۳۵۷			

با توجه به اینکه $P\text{-Value} < 0.05$ است، آزمون معنی دار بوده و فرض آماری پنجم پذیرفته نمیشود. به عبارت دیگر بین دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین حرفه در مورد کاربرد روشهای مؤثر تدریس، تفاوت معنی داری وجود دارد.

تبیین مدل برنامه ریزی درسی در رشته حسابداری با استفاده از تحلیل عاملی و نتایج داده های فازی

در این تحقیق به منظور تبیین مدلی جهت برنامه ریزی درسی در رشته حسابداری از تحلیل عاملی، مبتنی بر داده های فازی استفاده شده است. ابتدا ماتریسی از همبستگی بین داده های فازی تهیه و سپس ضریب همبستگی برای مجموعه ای از متغیرها در هر ۳ طیف جامعه آماری (دانشجویان دکتری، اساتید دانشگاه و شاغلین حرفه) محاسبه گردید. در مرحله بعد با استفاده از تحلیل عاملی اطلاعات بر اساس همبستگی درونی بین آنها کاهش داده شد و مجموعه ای از متغیرهای جدید بدست آمد، آنگاه بهترین ترکیب خطی بین متغیرها، یعنی ترکیبی که بیشترین واریانس بین داده ها را داشته بعنوان مدل برنامه ریزی

خطی برای دروس تخصصی حسابداری انتخاب گردید. جدول شماره ۶ خلاصه نتایج حاصل از تحلیل عاملی دیدگاههای طیف جامعه آماری بر اساس ضرایب بدست آمده از مدل خطی را به ترتیب اولویت نشان می دهد:

جدول ۶- خلاصه نتایج حاصل از تحلیل عاملی دیدگاه های طیف جامعه آماری نسبت به مؤلفه های تحقیق - منطق فازی

موضوعات جدید حسابداری	محتوای دروس تخصصی			گرایش های تخصصی حسابداری			مؤلفه ها		
	اولویت سوم	اولویت دوم	اولویت اول	اولویت سوم	اولویت دوم	اولویت اول	اولویت سوم	اولویت دوم	اولویت اول
حالت حل مسئله در کلاس	کارگاههای عملی در کلاس	حسابداری مدیریت پیشرفته	مدیریت مالی	حسابداری میانه	حسابداری بهای تمام شده	حسابداری مالی	حسابداری مدیریت	حسابداری مالی	اساتید دانشگاه
کارگاههای عملی در کلاس	حلول ارائه در کلاس	تهیه گزارشهای مالی	حسابداری میانه	حسابداری	حسابداری بهای تمام شده	حسابداری مالی	حسابداری مالیاتی	حسابداری	شاغلین حرفه
تهیه گزارشهای مالی	کارگاههای عملی در کلاس	حسابداری مدیریت پیشرفته	مدیریت مالی	تحقیقات تجربی در حسابداری	حسابداری بهای تمام شده	حسابداری مالی	حسابداری	حسابداری مدیریت	دانشجویان دکتری

ادامه جدول ۶- خلاصه نتایج حاصل از تحلیل عاملی دیدگاه های طیف جامعه آماری نسبت به مؤلفه های تحقیق - منطق فازی

روشهای مؤثر تدریس	تعداد واحدهای تخصصی حسابداری			مؤلفه ها		
	اولویت سوم	اولویت دوم	اولویت اول	دکتری	کارشناسی ارشد	کارشناسی
استفاده از فناوری اطلاعات	روش حل مسئله	روش دانشجوی محور	کمتر از ۱۸ واحد	معادل ۳۲ واحد	بیشتر از ۶۲ واحد	اساتید دانشگاه
روش کاوشگری	روش استاد محور	روش دانشجوی محور	معادل ۱۸ واحد	معادل ۳۲ واحد	کمتر از ۶۲ واحد	شاغلین حرفه
استفاده از فناوری اطلاعات	روش کاوشگری	روش دانشجوی محور	کمتر از ۱۸ واحد	کمتر از ۳۲ واحد	کمتر از ۶۲ واحد	دانشجویان دکتری



بحث، نتیجه گیری و پیشنهادات

با توجه به معضلات حال و آینده که بطور اعم در بخش آموزش عالی کشور و بطور خاص در بخش آموزش حسابداری مطرح می باشد، به منظور لزوم بکارگیری برنامه ریزی علمی و کارآمد که بتوان شاخص های مرتبط با این معضلات را به مقادیر آرمانی خود رساند، با تعیین نیازها و اولویت های آموزشی از دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین حرفه انتظار می رود که بتوان کاستیهای موجود در نظام آموزش حسابداری را شناسایی و در جهت رفع آنها کوشش نمود. در شرایط کنونی و با توجه به تفویض اختیارات برنامه ریزی درسی به دانشگاه ها، در این تحقیق گرایش های تخصصی حسابداری، محتوای دروس تخصصی، دروس تخصصی جدید مورد نیاز، سقف واحدهای دروس تخصصی در مقاطع مختلف تحصیلی و مؤثرترین روش تدریس مورد ارزیابی و آزمون قرار گرفت و با استفاده از تحلیل عاملی اولویت های مورد نیاز مشخص گردیده و در نهایت چارچوبی جهت تدوین برنامه های درسی رشته تحصیلی حسابداری در مقاطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی ارائه شده است.

بر اساس نتایج حاصل از تحقیق پیشنهاد می شود:

۱) به منظور افزایش کارایی فارغ التحصیلان رشته حسابداری در جهت رفع نیازهای کنونی و آتی کشور ۳ گرایش حسابداری، حسابداری مالی و حسابداری مدیریت در مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد ایجاد گردد.

۲) درس تهیه گزارش های مالی و یادداشت های توضیحی آن به صورت ۳ واحد درسی در آخرین نیمسال تحصیلی دوره کارشناسی حسابداری ارائه شود.

۳) معادل ۶ واحد درس کارگاههای عملی در کلاس با تدوین سرفصل های مناسب در نیمسال چهارم و نیمسال پایانی دوره کارشناسی ارائه گردد.

۴) با توجه به اولویت درس بهای تمام شده از دیدگاه هر ۳ طیف جامعه آماری، معادل ۳ واحد از این درس در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد بصورت پروژه ارائه گردد.

۵) با توجه به نتایج تحقیق در سقف واحدهای دروس تخصصی حسابداری مصوبه شورای عالی برنامه ریزی، تغییری حاصل نشود.

۶) بر اساس نتایج تحقیق در صورت فراهم بودن شرایط و ملزومات لازم از روش دانشجوی محور در آموزش حسابداری استفاده شود.

۷) به منظور دستیابی به برنامه ریزی مؤثر و جلوگیری از تکرار سرفصلهای مشابه در دروس مختلف و تطابق منطقی حجم مطالب با میزان واحدهای اختصاص داده شده در رشته حسابداری، پیشنهاد می شود



سرفصل های برنامه مقاطع مختلف تحصیلی رشته حسابداری مورد بازنگری قرار گرفته و آرایه طریق گردد. ۸) در طی انجام تحقیق متغیرهای مستقل دیگری مانند دروس کاربرد استانداردهای ملی و جهانی، اخلاق در حرفه، بررسی و تحلیل قوانین و مقررات دولتی و ... شناسایی گردید که بر این اساس پیشنهاد میشود این متغیرها در تحقیقات آتی برای برنامه ریزی دروس تخصصی حسابداری مورد آزمون قرار گیرند.



۱- اعتمادی حسین و حسین فخاری. (۱۳۸۳). «تبیین نیازها و اولویت های تحقیقاتی حسابداری، آرایه الگویی جهت همسویی تحقیقات، آموزش و عمل»، بررسی های حسابداری و حسابداری، شماره ۳۵، سال یازدهم، بهار ۱۳۸۳، صص ۲۷-۳.

۲- بازرگان، عباس. (۱۳۷۴). «ارزیابی درونی دانشگاهی و کاربرد آن در بهبود مستمر کیفیت آموزش عالی». فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۳ و ۴، سال سوم، شماره مسلسل ۱۱ و ۱۲.

۳- تایلر، رالف. (۱۳۷۶). «اصول اساسی برنامه ریزی درسی و آموزش»، ترجمه علی تقی پور ظهیر، نشر آگاه، صص ۱۰۹-۱۰۴.

۴- ثقفی علی و عادل محمد زاده نوین. (۱۳۷۱). «اعتلاء آموزش حسابداری در کشورهای در حال رشد: بررسی مورد ایران»، مترجم: رمضانعلی رویایی، بررسیهای حسابداری، شماره ۲، سال اول، پاییز ۱۳۷۱، صص ۹۰-۸۰.

۵- جهانی، جعفر. (۱۳۸۴). «نقد و بررسی کمیته برنامه درسی مصوب دوره دکتری برنامه ریزی درسی». مجموعه مقالات چهارمین همایش انجمن برنامه ریزی درسی ایران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، صص ۵۳-۴۰.

۶- خلیلی عراقی، مریم. (۱۳۸۱). «تغییر شیوه های آموزش حسابداری، حسابداری، شماره ۱۵۰، دی ماه ۱۳۸۱، صص ۶۸-۳۲.

۷- دبیرخانه شورای تحقیقات و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، اهداف و سیاست های واحدهای پژوهشی، گزارش اردیبهشت ۱۳۸۲.

۸- رحیم میرزایی، ملا احمد و دیگران. (۱۳۸۵). «رابطه آموزش عالی و کارایی و اشتغال دانش آموختگان: دیدگاه استادان، مدیران و دانش آموختگان، بررسی موردی آموزش جنگل». فصلنامه پژوهش و سازندگی در



20- Karr.s (2005, June). "Is accounting education relevant? Many are questioning the quality- not to mention the quantity - of accounting graduates and their abilities to handle the on slough of complex transactions and technical regulations. Are the schools - and the students - preparing for accounting in the real world?" Financial Executive, 21 (5), 40-42.

21- knight & Zook (1982). " Controllers evaluate relevance of education topics", Management Accounting, Nov.

22- Kramer Peterson, B.K. , Johnson, C.W., Crain , G. W., & Miller.s.J (2005,June). "The practitioner- professor link." Journal of Accountancy. 199(6),77-80.

23- Mohamed, E.K.A., & Lashine, S.H.(2003july). "Accounting knowledge and skills and the challenges of a global business environment. II \l. Managerial Finance. 29(7),3-17.

24- Nearon, B.(2002). A professional argues for higher education standards." The CPA Journal, 73 (1),17-22.

25- Novin, Pearson & Sedge (1990). "Improving the curriculum for aspiring management accountants: The practitioner's point of views", Journal of Accounting Education,8.

26- Renner, C ., & Tanner, M . (2001 , January/ February) . "Educating future accountants: Alternatives for meeting the ISO-hour requirement." Journal of Education for Business, 76(3),132-137.

27- Saylor , Alexander, Lewis, (1981), "Curriculum planning for better teaching and learning" , Holt Rinehart Winston,p.335-6.

28- Siegel, G., & Kulesza, C.(1995). "Are accounting students ready for corporate America? Special report." Management Accounting, 76.19-50.

29- Siegels & Sorenson (1994), " What corporate America wants in entry level accountants?" , Management Accounting, 76,(3).

30- Taba, Hild, Curriculum Development , Harcourt, Brace & World , Inc.



منابع طبیعی، شماره ۷۳، صص ۱۸-۱۱.

۹- سنایی، محمد. (۱۳۸۵). «تجزیه و تحلیل وضعیت آموزشی دانشگاه های آزاد اسلامی گیلان و مازندران در ارتباط با نیازهای آموزش عالی کشور»، طرح پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، معاونت پژوهشی.

۱۰- عارفی، محبوبه. (۱۳۸۴). «برنامه ریزی درسی راهبردی در آموزش عالی»، تهران، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی- واحد دانشگاه شهید بهشتی، صص ۱۳۰-۱۱۷ و ۲۳۰-۱۹۳.

۱۱- عرب مازار یزدی، محمد. حجت ثابتی و علی گلی. (۱۳۸۶). «آموزش حسابداری در عصر فناوری و ارتباطات»، حسابدار، شماره ۱۹۰، دی ماه ۱۳۸۶، صص ۳۱-۲۶.

۱۲- قورچیان، نادر قلی و عباس خورشیدی. (۱۳۷۹). «شاخص های عملکردی در ارتقای کیفی مدیریت نظام آموزش عالی»، تهران، انتشارات فراشناختی اندیشه.

۱۳- محمدی، رضا. (۱۳۸۴). «راهنمای عملی انجام ارزیابی درونی در نظام آموزش عالی ایران: تجارب ملی و بین المللی»، مرکز انتشارات سازمان سنجش آموزش کشور، تهران.

۱۴- مشایخی، بیتا و ایرج نوروش. (۱۳۸۴). «نیازها و اولویت های آموزشی حسابداری مدیریت: فاصله ادراکی بین دانشجویان و شاغلین در حرفه حسابداری»، بررسیهای حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۱، سال دوازدهم، پاییز ۱۳۸۴، صص ۱۶۱-۱۳۳.

۱۵- ملکی، حسن. (۱۳۸۶). «برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)»، مشهد، پیام اندیشه.

۱۶- نوروش، ایرج. (۱۳۸۲). «بررسی فرآیند تغییر برنامه درسی و پیشنهاد یک برنامه درسی نوسازی شده برای دوره کارشناسی رشته حسابداری»، بررسیهای حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۲، سال دهم، تابستان ۱۳۸۲، صص ۴۲-۲۱.

17- Albrecht, S.\V.& Sack, R.J.(2001), "The Perilous future of accounting education." The CPA Journal, 71(3), 16-23.

18- Albrecht, S.\V.& Sack, R.J.(2000). "Accounting Education: Charting the Course Through a Perilous Future", American Accounting Association, Vol 16.

19- Gene.L.Smith(2006). "Determining differences in the preferred undergraduate accounting curriculum among students, practitioners and educators." Ph.D. North Central University, Arizona).